

ادامه از صفحه اول

حقیقت نیایش

در مناجات شعبانیه، عبارتی بیان شده که در آن از خداوند به‌عنوان منادی یاد شده است «الهی واجعلنی ممن نادبته فاجابک» معبودا مرا از کسانی قرار بده که تو او را ندا می‌دهی در نتیجه تو را اجابت می‌کند. اگر این عبارت را در کنار آیه ۱۸۶سوره بقره قرار دهیم که می‌فرماید «هرگاه بندگانم از تو درباره من می‌پرسند، بگو من نزدیکم و درخواست درخواستم را بکنم…» به‌خوبی درمی‌یابیم که در ادبیات دینی، در این رابطه دوسویه، انسان و خدا هم مجیب و منادی و عاشق‌اند و هم مجاب و منادا و معشوق. این نکته‌ای است که به‌سادگی نباید از کنار آن گذشت و محل تأمل و تدبری عمیق است که اگر به‌خوبی درک و دریافت شود، دیگر نمازها، نیایش‌ها و عبادات، نه به‌عنوان اموری تکلیفی؛ بلکه اموری آفریننده، سازنده، رشددهنده، تعالی‌بخش و بستری برای از جنس خدا شدن، دیگرخواه‌شدن، پویایی و بالندگی می‌شوند. در این نگاه، نیایش نه صرفاً خواندن اسما و صفات خدا و دیدار با جان جانا؛ بلکه تحقق‌بخشیدن اخلاقی و صفات خدا در جان و شخصیت خویش و احتضار و دیدار با «من متعالی و ملکوتی» خویشتن است که پرتوی از روح خدا و جان جانا است و این همان حقیقت نیگویی است که مولانا در غزل ۱۵۱۸ هم به زیبایی ترسیم کرده است. «من آن ماهم که اندر لامکانم/ مجو بیرون مرا در عین جانم. تو را هرکس به سوی خویش خواند/ تو را من جز به سوی تو نخوانم». بر این باورم، بارزترین و شاخص‌ترین بُعد نیایش، «عشق‌ورزی» با خداست که پرتو آن به صورت عشق به جهان هستی، عشق به هم‌نوعان، عشق به دانایی، هنر، زیبایی، ارزش‌های انسانی و اخلاقی تجلی می‌یابد و موجب آفرینندگی و زایندگی و نوبه‌نوشدن مستمر آدمی می‌شود. به این جهت در ادبیات عرفانی ما و به‌ویژه در آثار مولانا به‌عنوان «خاتم العرفا»، پربسامدترین واژه، واژه «عشق» است و در دیوان حافظ از «عشق به همه عالم» و «بندگی عشق» سخن به میان آمده است. در این مقاله واژه عشق را با سامح و مستقل از بحث‌های نظری، با واژه «حب» در زبان عربی، برابر نهدادم و هرجا از عشق سخن می‌گویم، ترجمانی از «حب و مشتقات آن» است. با این توضیح به سراغ عاشقانه‌های دعای ابوحمزه می‌روم. در این دعا که از دهاهای منسوب به «زین‌العربین روح پرستنده امام سجاد (ع) در سحرهای ماه مبارک رمضان است، ۱۰ مورد از عشق‌سخن به میان آمده است. نیایش سحرگاهان داستانی شایسته تأمل دارد که موضوع بحث ما نیست و باید در جای خود به آن پرداخته شود که چه زار و رمزی در سحر وجود دارد که آن‌قدر در قرآن و سخن بزرگان و عارفان بر آن انگشت تأکید نهاده شده است، فقط به این بیت از مولوی در اینجا بسنده می‌کنم که در غزل ۲۸ دیوان شمس می‌سراید «عارف گوینده بگو تا که دعای تو کنم/ چونک خوش و مست شوم هر سحری وقت دعا». ۱- عشق‌ورزی خدا با پندگنان: الحمدلله الذی تجب الی و هو غنی عنی. ستایش مخصوص خدایی است که به من عشقی می‌ورزد درحالی‌که من نیازمند نیستم. این عشق‌ورزی خدا و نازکردن و روی‌برگرداندن انسان در برابر جان جانان در فرای از دعای افتتاح آمده است، آنجا که می‌گوید «ای پروردگار من تو به طور جدی مرا فرامی‌خوانی (اگت تدعونی) ولی من روی می‌گردانم، تو به من عشقی می‌ورزی من به تو خشم می‌ورزم و تو به من مهر می‌ورزی و من نمی‌پذیرم؛ اما هیچ‌یک از این برخورد‌های من موجب نمی‌شود که به خاطر بخشش و بزرگواری‌ات، من را مورد لطف و رحمت و نیکی و فضل خود قرار ندهی، پس ای پروردگار من به این‌بند ناکاهت رحم کن و به فضل و نیکوکاری‌ات بر او ببخش؛ زیرا تو خدای با جود و کرامتی». ۲- عشق‌ورزی بندگان با خدا. اللهم انی اسئلك ان تعالقلبی جبا کل و خشیه منك. خدایا من به طور جدی از تو درخواست می‌کنم قلبم را سرازار از عشق به خودت و حیرت در برابر شوکت نمای. در ادامه آمده است «یا ذوالجلال و الاکرام حب الی لفاکت و احب لفاقی واجعل لی فی لفاکت الراحه و الفرج و الکرامه» ای صاحب جلال و بزرگواری، مرا عاشق دیارت گردان و عاشق دیدارم باش و در این دیدار عاشقانه‌ات، آسایش، کنشایش و بزرگمنشی برایم قرار بده. نکته قابل توجه در این فراز دعا این است که بنده در دیدار عاشقانه‌اش از خدای صاحب کرامت، درخواست «کرامت» می‌کند و گویای این واقعیت است که نیایش هم دیدار با خداست و هم دیدار با خویشتن ملکوتی خویش و خود را بر مثال و صورت خدا خواستن و ساختن. اگر قرار است عشقی ورزیده شود، متعالی‌ترین جلوه‌اش عشق‌ورزی با روح هستی است که در کلام مولوی هم آمده است: «عشق آن زنده کزین کو بقای است/ وز شراب جان‌فراقت ساقی است/ عشق آن بگزین که جمله انبیا/ یافتند از عشق او کار و کیا؛ «مثنوی دفتر اول» عشق به خدا و دیدار و وصال او آنچنان جایگاه والایی در نیایش‌های اولیای دین و عارفان دارد که به عنوان نهایی‌ترین آرزوی آنهاست، برای نمونه در دعای مناجات‌المحیین که از نهمین دهاهای ۱۵اگانه امام سجاد (ع) است، آمده: «خدایا مرا از کسانی قرار بده که قلب‌هایشان متعلق (وابسته) به عشق توست. خدایا عشق به خودت، عشق به عاشقات و عشق به هرکاری را که مرا به وصال تو رساند و به تو نزدیک کند، از تو درخواست می‌نمایم و از تو می‌خواهم که مرا از عاشق‌ترین بندگان قرار دهی و عشقم را راجر من به بهشت خشنودات قرار دهی».

ادامه در صفحه ۱۰

شرق: حسام‌الدین آشنا
سیاسیون را به دیدن یک سریال آمریکایی سیاسی دعوت کرده است. مینی‌سریال چرنوبیل که این روز‌ها بین مخاطبان سریال‌های آمریکایی معروف شده است. تا به حال دیده نشده بود که یک چهره سیاسی، هم‌تایان خود را دعوت به دیدن یک سریال خارجی سیاسی کند. در بین چهره‌های سیاسی مطرح، احتمالاً این تنها حسن خمینی است که هم به سینما و فیلم علاقه دارد و هم آن را دنبال می‌کند. خوش به اشکال مختلف گفته که سینیما آمریکا و کارگردانش را می‌شناسد. سیاستمداران ایرانی اصلاً خیلی با مقوله فیلم و سینما از نوع هالیوودی‌اش عجین نیستند؛ اگر هم باشند اصلاً تقیه پیشه می‌کنند و تمایلی به افشای آن ندارند. برعکس سیاسیون داخلی، رسانه‌ها اطلاعات زیادی از تمایلات سریالی سیاسیون خارجی دارند. مثلاً اوباما از بین سریال‌های سیاسی، خانه مادری (ا Homeland) را می‌پسندد. هیلاری و بیل کلینتون گفته‌اند که خانه پوشالی (house of cards) را می‌پسندند.

اما چرا حسام‌الدین آشنا اهالی سیاست، دولت و حکومت را به دیدن یک سریال آمریکایی توصیه کرده است؟ او در توضیح اضافه‌تری در باب این توصیه خود نوشته است: «وقتی نوشتم تماشا و عبرت‌گرفتن از مینی‌سریال چرنوبیل برای اهالی سیاست و دولت و حکومت بسیار مناسب است. عصاره‌اش این سوال تکان‌دهنده است: تاوان دروغ‌ها چیست؟ برخی این توصیه را نادیده و برخی دیگر آن را به سخره گرفتند… حرف این است که برای پیشگیری از بحران و در حین مدیریت بحران بیش از هر چیز با مشکلات ارتباطی مواجه خواهیم شد و تنها تدبیر کارگشا مشورت، صراحت، دقت و خوب‌گوش‌دادن به کسانی است که از دانش و تجربه کافی برخوردارند… در حوادث ریز و درشتی چون زلزله‌ها، آتش‌سوزی

شرق: همه چیز از یک شایعه آغاز شد. خبر استعفای وزیر آموزش و پرورش به‌سرعت به صدر اخبار رفت. اما وزارت آموزش و پرورش خبر پذیرش استعفای وزیر را تکذیب کرد. اما محمد بطحایی استعفا داده بود و شایعه کمی بعد به حقیقت پیوست؛ آن هم برای راهمایی به یازدهمین دوره مجلس. به گفته علی ربیعی، سخنگوی دولت، بطحایی استعفای خود را شنبه هفته گذشته تقدیم رئیس‌جمهوری کرده است. بطحایی سه‌شنبه بار دیگر با رئیس‌دولت روحانی تماس گرفته تا با استعفایش موافقت شود. پنجشنبه آخرین مهلت کناره‌گیری از سمت‌های دولتی برای نامزدشدن انتخابات مجلس بوده است. هر چند برخی انتخابات مجلس را بهانه‌ای برای کنارتفتن از دولت دوازدهم دانستند، ربیعی به بخش خبری ۱۴ سیما گفت که «آقای بطحایی در نامه استعفایی که ابتدای هفته تقدیم رئیس‌جمهوری کردند، علت استعفای خود را حضور در مجلس شورای اسلامی اعلام کردند». انتخاباتی که اسفند سال جاری برگزار خواهد شد. طبق ماده ۲۹ قانون انتخابات، مقامات دولتی باید شاه ماه پیش از ثبت‌نام انتخابات مجلس از سمت خود کناره‌گیری کرده باشند.

چرا بطحایی استعفا داد؟

وزیر آموزش و پرورش اولین و آخرین مقام دولتی نبود که برای رسیدن به بهارستان دورخیز کرده است. سخنگوی دولت گفته برخی

آمار پرستوهای دیگران، به سیاسیون منتقل می‌شود

عزت‌الله ضرغامی: پرستوهای مثل سلاح کشتار جمعی، در قلموس ما نیست. با وجود انتقادات به برخی شیوه‌های امنیتی-اطلاعاتی، معتقدم که این ممنوعیت از نقاط قوت آنان است. مطلع‌هم که آمار پرستوهای دیگران، به سیاسیون منتقل می‌شود. برخی پند می‌گیرند و برخی ملال! **(تویتر)**

شرق: پروانه سلحشوری، نماینده مجلس شورای اسلامی، در صفحه توییتر خود با اشاره به فرارسیدن عید فطر از آیت‌الله ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه ایران، خواسته است که احکام عغوی که هر سال به این مناسبت برای گروهی از زندانیان صادر می‌شود، شامل حال همه زندانیان شود؛ همه زنان و مردانی که به جهت ابراز عقیده در بند هستند. او این را گامی در جهت تأمین وحدت ملی، آن هم در آغاز دوره ریاست سیدابراهیم رئیسی بر قوه قضائیه دانسته است. این درخواست پروانه سلحشوری در حالی مطرح شده است که بارها مسئولان سیاسی و قضائی تأکید کرده‌اند در ایران هیچ فردی به دلیل ابراز عقاید خود زندانی نیست.

برای نمونه، سال گذشته بزرگ‌ترین عفو زندانیان در ۴۰ سالگی انقلاب شکوهمند جمهوری اسلامی درخواست آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی، رئیس وقت قوه قضائیه، از مقام معظم رهبری و موافقت ایشان اجرا شد که واکنش‌های متفاوتی را در پی داشت و آملی‌لاریجانی با تأکید بر اهمیت این عفو سراسری گفت که این «اقدام بزرگ» از سوی عده‌ای سیاسی جلوه داده می‌شود و این افراد خواستار این هستند که فرمان عفو شامل زندانیان سیاسی نیز بشود. اما رئیس وقت قوه قضائیه در جلسه مسئولان عالی قضائی صحبت می‌کرد، تأکید کرد که

پلاسکو، سیلاب اخیر و در جریان تصمیمات بزرگ دوران جنگ یا مذاکرات هسته‌ای، سیاست‌های ارزی و اختلافات انتخاباتی همواره مواجه با کسانی هستیم که تلاش می‌کنند با چاپلوسی، تأمین رضایت یا آرامش مقامات بالاتر، جایگاه یا قدرت خود را تضمین کنند و در این مسیر حاضر می‌شوند راست و دروغ را به هم بیافند و البته دیگری را هم می‌بینیم که بدون توجه به منافع کوتاه‌مدت و بی‌الترام به مصالح بلندمدت حرف حق می‌زنند ولو آنکه نادیده و ناشنیده گرفته شده و متهم یا حتی طرد شوند. چرنوبیل یک مینی‌سریال تلویزیونی پنج‌قسمتی بریتانیایی-آمریکایی در ژانر درام تاریخی است. این مجموعه ششم می ۲۰۱۹ در ایالات متحده و هفتم می ۲۰۱۹ در بریتانیا به نمایش درآمد. این سریال فاجعه هسته‌ای چرنوبیل که در آوریل ۱۹۸۶ در جمهوری شوروی سوسیالیستی اوکراین رخ داد و تلاش‌های پاک‌سازی بی‌بهباهی‌که به دنبال آن انجام شد را به تصویر می‌کشد. چرنوبیل ماجرابی

سیاست

مشاور روحانی سیاسیون را به تماشای «چرنوبیل» دعوت کرد



حسین شریعت‌مداری

واقعی از یکی از فجایع انسانی در تاریخ است. روایتی از زنان و مردانی که شجاعانه خود را در این راه قربانی کردند تا اروپا را از فاجعه غیرقابل‌تصورى نجات دهند. این سریال کوتاه روی نقطه عمیق احساسات پا گذاشته و از نزدیک روی فاجعه نیروگاه هسته‌ای که در آوریل ۱۹۸۶ در اوکراین شوروی رخ داد، متمرکز است و آشکار می‌کند که چرا و چگونه این حادثه رخ داد و به دیگر داستان‌های تکان‌دهنده و قابل توجه قهرمانان که در این‌ راه مبارزه کردند و جانشان را از دست دادند اشاره می‌کند. یکی دیگر از نکات جالب توجه خودبزرگ‌بینی، غرور و تعصب بیش از اندازه حزب کمونیست و سردمداران وقت شوروی است که در ابتدا سعی می‌کنند از نشت خبر این انفجار به بیرون و به‌خصوص جهان بیرون خود شوری جلوگیری کنند ولی وقتی یک نیروگاه هسته‌ای در سوئد خبر از بالا رفتن سطح تشعشعات مباد رادیواکتیو چرنوبیل می‌دهد آنها ناچارند این فاجعه را اعلام کنند ولی با تا چند سال بعد حاضر

دور خیز دولتی‌ها برای بهارستان

سخنگوی دولت: آقای بطحایی علت استعفا را حضور در مجلس اعلام کردند

تشخیص مصلحت هم رسید. گفته شد محسن رضایی، دبیر مجمع استعفا داده و دبیر مجمع تغییر کرده است. روابط‌عمومی مجمع به‌سرعت این اخبار را تکذیب کرد. اما کسی که در مجمع برای انتخابات پیش‌روی مجلس استعفا داده بود، علی رضایی، فرزند دبیر مجمع بود. به نوشته «ایرنا»، علی رضایی معاون اطلاع‌رسانی و امور بین‌الملل مجمع تشخیص مصلحت نظام بود و از سمت خود در دبیرخانه مجمع برای نامزدی انتخابات مجلس استعفا داده است. به گفته سخنگوی ستاد انتخابات وزارت کشور، پنجشنبه هفته گذشته آخرین روزی بود که مقامات بر اساس ماده ۲۹ قانون انتخابات، می‌توانستند استعفا دهند. سیداسماعیل موسوی دیروز گفت ممکن است مقامات دیگری هم برای انتخابات مجلس از سمت خود کناریگری کرده باشند. با این حال، شکرالله حسن‌یگی، معاون سیاسی اجتماعی استانداری تهران، پنجشنبه گذشته به «ایسنا» گفت اکنون هیچ یک از مدیران، فرمانداران و معاونان‌شان در استان تهران برای شرکت در انتخابات مجلس استعفا نداده‌اند: «از قبل شایعاتی بود که برخی فرمانداران، معاونان‌شان یا مدیران در استان قصد شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی را دارند. اما تاکنون استعفا نداده‌اند و این به منزله انصراف آنان است». به گزارش «ایسنا»، از میان مدیران وزارت کشور در استان تهران، امرالله حقیقی، سرپرست فرمانداری شهرستان پردیس، هم استعفای خود را تقدیم کرده است.

اختیارات روحانی برای رفاه حال مردم

حمود واعظی: رئیس‌جمهور اختیاراتی دارند که قطعا برای اداره امور کشور، رفع مشکلات و رفاه حال مردم از آنها استفاده می‌کنند. رئیس‌جمهور باید بتواند درباره مسائل سریع تصمیم بگیرد؛ بنابراین اگر مسئله را تحت این عنوان مطرح کردند، به همین خاطر است. **(ایلنا)**

قانون کارکرد چشمگیری نداشته است. لازم به توضیح است که عنوان زندانی عقیدتی را نخستین‌بار «پتیر بنسنسون» در ۲۸ می ۱۹۶۱ در نوشتاری به نام «زندانیان فراموش‌شده» برای روزنامه آزرور لندن به کار برد. بیش از هج‌رای دیگری، سازمان حقوق بشر و لیبرال‌الملل این واژه را به کار می‌برند. این واژه برای هر کسی که به دلایل گوناگون در زندان است به کار می‌رود؛ مانند نژاد، مذهب، یا دیدگاه سیاسی. برای آن دسته از کسانی که به دلیل اظهارات غیرخوشنودآمیز یا مقاومت در برابر تغییر عقیده خود به زندان افتاده یا تحت پیگرد هستند نیز به کار می‌رود. گستردگی این‌تعریف از زندانی عقیدتی هم باعث سردرگمی در تمیزدادن مجرمان امنیتی از متهمان عقیدتی شده است. حال که پروانه سلحشوری حضور آیت‌الله رئیسی بر مسند قاضی‌القضائی و ریاست بر دستگاه قضا را مغتنم شمرده و خواستار عفو زندانیان عقیدتی شده، فرصت مناسبی است که خلا قانونی در این رابطه مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا از تفسیر مبهم قانون جرم سیاسی جلوگیری شود و متهمان سیاسی زیر سایه جرائم امنیتی محاکمه نشوند. با اجرای قانونی جامع در رابطه با متهمان سیاسی، داشتن زندانی سیاسی خلاف منافع ملی و حقوق‌بشری تعبیر نخواهد شد.

و مجازات شد عیسی سحرخیز بود و بعد از او این

خبر

روحانی در تماس تلفنی با امیر قطر:

مشکلات منطقه راه حل نظامی ندارد

● **ابلسا:** رئیس‌جمهور روز چهارشنبه در تماس تلفنی با شیخ تمیم بن حمد آل‌ثانی، امیر قطر، گفت: ایران به دنبال تقویت امنیت در منطقه است و تمایلی به درگیری با دیگر کشورها ندارد اما اگر اقدام نابخردانه‌ای آغاز شود، پاسخ قاطع و پشیمان‌کننده‌ای خواهیم داد. مسائل و مشکلات منطقه راه‌حل نظامی ندارد و ما معتقدیم تهدید، فشار، محاصره و تحریم اقتصادی، مسیر غلطی در روابط دولت‌هاست. حسن روحانی از مواضع دولت قطر در نشست شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب استقبال کرد و افزود: آنچه در منطقه شاهدیم بین عربستان و امارات با یمن و قطر و روابط نادرستی که با ایران دارند، در مجموع به زیان کل منطقه خواهد بود. مواضع ایران در زمان اشغال کویت توسط صدام، حمله عربستان و امارات به یمن و محاصره دولت قطر این موضوع را ثابت می‌کند که ایران با جنگ، فشار و تحریم در این منطقه مخالف است.امیر قطر نیز در این تماس تلفنی گفت: دیدگاه‌های تهران و دوحه در بسیاری مسائل منطقه‌ای نزدیک است و تماس‌های مستمری بین دو کشور در جریان است که این بسیار سازنده است. ما معتقدیم که گفت‌وگو تنها راه کاهش تنش‌ها است و از ابتکار امیر کویت برای کاستن از تنش‌ها در منطقه حمایت می‌کنیم.

حبیب‌الله پیمان: درباره بازرگان اشتباه کردیم

● حبیب‌الله پیمان، دبیر کل جنبش مسلمانان مبارز به اعتقادآنانی گفته که دولت مهندس بازرگان حتی با پیش‌لیبرال-سیاسی‌ای که پیش گرفته بود، مانع مسائلی چون آزادی، برابری و... نبود و اصلا مزاحم تلقی نمی‌شد. او گفته که تخریب دولت موقت اشتباه بوده است. بخش‌هایی از این گفت‌وگو به شرح زیر است:

● من همچنان به اصول آزادی، برابری، سوسیالیسم و دموکراسی پایبندم و امروز هم دنبال آن هستم. اما امروز به این مسئله رسیده‌ام که آن زمان به اشتباه تصور می‌کردم دولت مهندس بازرگان مبارز است. بنابراین باید بگویم که دولت مهندس بازرگان حتی با پیش لیبرال-سیاسی‌ای که پیش گرفته بود، مانع این مسائل یعنی آزادی، برابری و... نبود و اصلا مزاحم تلقی نمی‌شد. این در حالی است که من تصور می‌کردم اینها (دولت مهندس بازرگان) می‌آیند و با پیشی که داشتند (لیبرالیسم) سد راه تحقق آزادی و برابری و حتی سوسیالیسم می‌شوند. اما چرا به این اشتباه پی بردم؟ چون در واقعیت دیدم که مهندس بازرگان در درجه اول یک لیبرال سیاسی است که به این مسئله اشکالی وارد نیست، چون ایشان یک لیبرال دموکرات بودند که اتفاق خوبی است. نکته دوم این است که مهندس بازرگان اگرچه به لحاظ اقتصادی لیبرال بود ولی «ملی‌گر» است و آن زمان اقتصاد ملی با بورس‌روازی ملی برای ما به مراتب مهم‌تر از بورس‌روازی کل بود. ما باید همان زمان به این نکات توجه می‌کردیم.

● ما به هیچ وجه قبول نکردیم که ایشان (امیرانتظام) جاسوسی کرده است. در جریان ارتباطات «نهضت آزادی» با سفارتخانه بودیم و می‌دانستیم که آنان فقط برای تماس می‌روند، قبل از انقلاب هم چنین کارهایی می‌کردند و هیچ‌وقت ابایی نداشتند. آنها می‌خواستند دولت آمریکا را گناه کنند که شاه با این استبداد نمی‌تواند در ایران ثبات برقرار کند و این موضوع در نهایت به نفع «حزب توده» تمام می‌شود و «کمونیست‌ها» برنده خواهند شد. بنابراین آنان (نهضت آزادی) با حسن نیت به سفارتخانه‌ها می‌رفتند و هیچ قصد سونی نداشتند. ما در این موضوع هیچ‌وقت تردید نکردیم. همان زمان هم برایمان روشن بود؛ آقای امیرانتظام که با آقای مهندس بازرگان کار می‌کرد، در همان چارچوب ارتباطاتی داشته است. اما طبق آنچه در آن مقاله آمده و ایشان (امیرانتظام) هم به آن اشاره کرده، هیچ‌وقت این مسئله عنوان نشده که «کار خوبی کردید ایشان را گرفتید، با «این آقا چنین برخوردی داشته باشید و او را محاکمه کنید». فقط و فقط در یک مقاله آمده است که «جریان لیبرال‌ها از نظر فکری همیشه با مسائل جامعه مشکل داشتند که این مشکلات می‌توانست منجر به انحراف شود». این مثل همان بحث «انحراف انقلاب» است که ما درباره آن مقاله نوشتم.

● «آن زمان اعتقاد داشتیم که این دولت لیبرال نمی‌تواند اهداف انقلاب اسلامی را محقق کند. البته ما جریان مقابل آن را هم نقد می‌کردیم. بداتن باشد ما «حزب جمهوری اسلامی» را با همان معیاری که دولت مهندس بازرگان را نقد کردیم مورد انتقاد قرار دادیم. ما بر اساس همین موضوع رفتیم و راه سوم را گشودیم. چنین نبود که به دولت انتقاد داشته باشیم و بگوییم نمی‌تواند اهداف انقلاب را محقق کند، ولی جریان مقابل او می‌تواند. بدآیند که اولین حملات به ما از جانب «حزب جمهوری اسلامی» بود. روزنامه «جمهوری اسلامی» منتسب به ارکان «حزب جمهوری اسلامی» همان ابتدا و حتی قبل از انتخابات مجلس خبرگان رهبری، سلسله مقالاتی را علیه ما نوشت که این مقالات ادامه داشت. آن روزنامه در آن مقالات هرچه خواست به ما نسبت داد که اگر بخواهید بعدا به تفصیل برای شما توضیح خواهیم داد.